

دهه‌های گذشته به علت برخورداری از منابع نفتی گسترده و وجود دولت رانتیر، توجه چندانی به حل و فصل آن‌ها نداشته‌اند و در نتیجه، این مسائل منشأ بسیاری از بحران‌ها و ناامنی‌های منطقه‌ی خلیج فارس و خاورمیانه شده است.

درواقع وابستگی به منابع نفت و یا گاز و شکل‌گیری دولت رانتیر، موجب تعمیق توسعه‌نیافتگی سیاسی و اجتماعی در این منطقه شده و به اقتدارگرایی در این کشورها دامن زده است. (نمودار ۶) اصلاحات اساسی سیاسی و اجتماعی (در کنار اصلاحات اقتصادی) در کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس موجب حل و فصل مسائلی خواهد شد که منشأ پیدایش تنش‌ها و منازعات فرقه‌ای و مذهبی و هم‌چنین پدیده‌ی تروریسم است. با انجام اصلاحات سیاسی و اجتماعی، ترویج و نهادینه کردن فرهنگ تساهل و مدارا و تقویت نقش مردم در تصمیم‌گیری‌های حکومتی، حمایت از ایجاد و تقویت احزاب و تشکل‌های مردمی و تضمین آزادی آن‌ها، زمینه‌ی لازم برای توسعه و صلح در داخل این کشورها فراهم خواهد شد؛ زمانی که صلح در درون این کشورها بین مقامات و نمایندگان گروه‌ها و تشکل‌های مختلف منتقد حکومت برقرار شد و قواعد بازی صلح‌آمیزی بین گروه‌های متکثر باهدف دستیابی به قدرت و فعالیت‌های سیاسی شکل گرفت، زمینه برای ایجاد صلحی فراگیرتر در منطقه نیز به تدریج فراهم خواهد شد. «در سال‌های گذشته درگیری‌های خشونت‌آمیز در خاورمیانه اثرات مخربی به عمل کرد اقتصادی کشورهای منطقه داشته است.» (Fardoust, 2016, p. 16) حل و فصل این مسائل به توسعه‌ی همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای کمک خواهد کرد و نهایتاً به همگرایی اقتصادی منجر خواهد شد.